



دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

عنوان:

موانع توسعه مطبوعات غیردولتی در ایران پس از
انقلاب اسلامی از دیدگاه صاحب نظران

استاد راهنما: دکتر حسینعلی افخمی

استاد راهنما: دکتر هادی خانیکی

محقق: ناصر غضنفری

شهریور ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این پایان نامه را به روح پاک مادرم تقدیم می کنم که

حسرت بزرگ زندگی اش بازماندن از تحصیل به

خاطر برخی سنت های غلط بود.

به فرجام رسیدن این پایان نامه که برآمده از دغدغه بیش از پانزده سال از بهترین سالهای زندگی‌ام بوده و است را مدیون کمک‌های همسر و حمایت‌ها و راهنمایی‌های ارزشمند آقایان دکتر حسینعلی افخمی (استاد راهنما) و دکتر هادی خانیکی (استاد مشاور) می‌دانم که خود دغدغه‌ای مشابه دارند. در ضمن لازم است از آقایان دکترسید محمد مهدی زاده (استاد داور) و دکتر علی اصغر کیا (مدیر گروه وقت علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی) به واسطه دقت نظر خود سپاس گفته و از تمامی مصاحبه شونده‌گان به ویژه آقایان پرفسور معتمد نژاد، دکتر مهدی فرقانی و دکتر حسن نمک دوست تهرانی سپاسی ویژه داشته باشم.

همچنین از دوستان خوبم آقایان مجید شمس و رضا حقی و تمامی افرادی که مرا در تهیه و تدوین این پژوهش یاری کرده کمال تشکر را دارم.

چکیده:

مساله این پایان نامه بررسی دلایل کوتاهی عمر مطبوعاتی بود که پس از انقلاب و فارغ از وابستگی- های دولتی منتشر شده و به فرجام تعطیلی و توقیف کشانده شده بودند.

چارچوب نظری پژوهش به تئوری‌های هنجاری مطبوعات برمی‌گردد که اول بار توسط سیبرت، پترسون و شرام به آن پرداخته شده و با دگرذیسی‌های مختلف توسط دنیس مک کوئیل به ۶ گروه مطبوعات اقتدارگرا، مطبوعات آزاد، مسوولیت اجتماعی، رسانه‌های شوروی (سابق)، توسعه بخش و دموکراتیک تقسیم شده و محور این تحقیق نیز دسته بندی دانشمند نامبرده است. منظور از مطبوعات غیردولتی نیز مطبوعاتی است که از سیاست‌های رسمی دولت تبعیت نکرده و مراد از دولت نیز دولت در معنای وسیع کلمه یعنی حکومت است.

روش تحقیق هم نظریه مبنایی بوده که تکنیک به کار رفته برای آن مصاحبه عمیق با متخصصان بوده و تفسیر و تحلیل داده ها نیز از طریق کدگذاری انجام گرفته است.

نتیجه این تحقیق که از گفت و گو با ۲۰ تن از فعالان و صاحب نظران مطبوعاتی و ارتباطی طراز اول کشور به دست آمده است حاکی از آن است که الگوی حاکم بر مطبوعات ایران بیش از همه به مدل مطبوعاتی اقتدارگرا شبیه بوده که در مقاطعی چرخش هایی به سوی مطبوعات توسعه گرا داشته است.

کلید واژه‌ها: ، مطبوعات ، تئوری های هنجاری مطبوعات ، دولت

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه
فصل اول: کلیات پژوهش.....	
۱-۱ طرح مسئله.....	۱
۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۲
۳-۱ اهداف تحقیق.....	۳
۴-۱ پیشینه تحقیق.....	۳
فصل دوم: بررسی مبانی و ادبیات تحقیق.....	۱۰
۱-۲ بخش نخست: سیر تحول مطبوعات غیر دولتی در ایران.....	۱۱
۱-۲-۱ دوره اول: از مشروطه آزادی خواه تا رضا خان تمرکز گرا.....	۱۱
۱-۲-۲ دوره دوم: مطبوعات، اسیر سیاست های دوگانه پهلوی دوم.....	۱۲
۱-۲-۳ دوره سوم: از آزادی انقلابی تا مطبوعات جنگ ۸ ساله.....	۱۴
۱-۲-۴ دوره چهارم: گشایش نسبی در دوره موسوم به سازندگی.....	۱۶
۱-۲-۵ دوره پنجم: آزادی بیشتر در دوره موسوم به اصلاحات.....	۱۶
۱-۲-۶ دوره ششم: تغییر رویکرد در دوران موسوم به عدالت خواهی.....	۱۸
۲-۲ بخش دوم: معیارهای سنجش آزادی و استقلال مطبوعات.....	۱۹
۱-۲-۲ توسعه رسانه ها و شاخص های آن.....	۲۲
۱-۲-۲-۱-۱ مقوله نخست: توجه به کثرت گرایی.....	۲۲
۱-۲-۲-۲ مقوله دوم: چارچوب اقتصادی مبتنی بر برابری رقابت آمیز و شفافیت مالکیت.....	۲۳

- ۲۴ ۳-۱-۲-۲ مقوله سوم: رسانه ها به منزله عرصه مباحثه دموکراتیک.....
- ۲۴ ۴-۱-۲-۲ مقوله چهارم: توانمند سازی حرفه ای و پشتیبانی از نهادهای آموزشی.....
- کثرت‌گرا ۵-۱-۲-۲ مقوله پنجم: توانمند سازی زیر ساختی ضروری برای پشتیبانی از رسانه‌های مستقل و
۲۵
- ۲۵ ۳-۲ بخش سوم: طبقه بندی نظام های مطبوعاتی
- ۲۶ ۱-۳-۲ انتقادات ریموند ویلیامز.....
- ۲۷ ۲-۳-۲ طبقه بندی فرناند ترو
- ۲۸ ۳-۳-۲ دسته بندی رالف لوونشتاین
- ۳۰ ۴-۳-۲ جان مریل و دسته بندی دیگر.....
- ۳۱ ۵-۳-۲ دنیس مک کواییل و طبقه بندی وی
- ۳۱ ۱-۵-۳-۲ نظریه مطبوعات اقتدارگرا.....
- ۳۳ ۲-۵-۳-۲ نظریه مطبوعات آزاد
- ۳۵ ۳-۵-۳-۲ نظریه مسئولیت اجتماعی
- ۳۶ ۴-۵-۳-۲ نظریه رسانه های شوروی
- ۳۸ ۵-۵-۳-۲ نظریه رسانه های توسعه بخش
- ۴۰ ۶-۵-۳-۲ نظریه رسانه های دموکراتیک
- ۴۲ ۴-۲ مالکیت و اقتصاد رسانه ها
- ۴۲ ۱-۴-۲ نظریه اقتصاد سیاسی رسانه
- ۴۶ ۲-۴-۲ مالکیت و کنترل رسانه
- ۴۷ ۳-۴-۲ تأثیرات مالکیت

۴۷ ۵-۲ سیستم های رسانه ای و سیستم های سیاسی
۴۹ ۶-۲ چهارچوب مفهومی پژوهش
۵۱ فصل سوم: روش شناسی تحقیق
۵۲ ۱-۳ پژوهش کیفی
۵۳ ۲-۳ نظریه مبنایی
۵۵ ۳-۳ تعریف مفاهیم
۵۵ ۴-۳ پرسش های تحقیق
۵۶ ۵-۳ تکنیک به کار رفته در تحقیق
۵۷ ۶-۳ شیوه تحلیل داده ها
۵۸ ۷-۳ نمونه گیری
۵۸ ۱-۷-۳ جامعه نمونه
۶۲ فصل چهارم: یافته های تحقیق
۶۳ ۱-۴ بخش اول: وضعیت روزنامه نگاری غیردولتی در ایران
۶۴ ۱-۱-۴ مطبوعات مستقل از دولت
۶۸ ۲-۱-۴ دوره های مطبوعات در ایران
۶۸ ۱-۲-۱-۴ ویژگی های مطبوعات دوره اول: حرکت در دایره آزادی و هرج و مرج
۷۱ ۲-۲-۱-۴ ویژگی های دوره دوم مطبوعات: رسانه ها در محاق جنگ
زمان ۳-۲-۱-۴ ویژگی های دوره سوم مطبوعات: فاصله گرفتن نسبی از حساسیت های زمان
۷۳ جنگ
۷۶ ۴-۲-۱-۴ دوره چهارم مطبوعات: مطبوعات پیشگامان توسعه سیاسی

- ۸۰ ۴-۱-۲-۵ دوره پنجم: تحدید مطبوعات
- ۸۱ ۴-۲ بخش دوم: ساختار مطبوعات در ایران
- ۸۴ ۴-۲-۱ تیراژ نشریات در دوره های مختلف
- ۸۷ ۴-۲-۲ محدودیت های اعمال شده بر مطبوعات و علل آنها
- ۹۰ ۴-۲-۳ شاخصه های مطبوعات پس از انقلاب
- ۹۴ ۴-۲-۴ وضعیت نهادهای صنفی. مطبوعاتی
- ۹۴ ۴-۲-۵ عدم استقلال نهادهای صنفی مطبوعات
- ۹۶ ۴-۲-۶ سیاست زدگی نهادهای صنفی مطبوعاتی
- ۹۷ ۴-۲-۷ موفقیت نهادهای صنفی در دوره چهارم مطبوعات
- ۱۰۰ ۴-۲-۸ مطبوعات غیردولتی و آموزش حرفه ای روزنامه نگاران
- ۱۰۰ ۴-۲-۸-۱ آموزش ناموفق و کم تاثیر
- ۱۰۳ ۴-۳ بخش سوم: موانع توسعه مطبوعات غیر دولتی
- ۱۰۴ ۴-۳-۱ دیدگاه اقتدارگرایانه دولت
- ۱۰۷ ۴-۳-۲ نبود امنیت شغلی
- ۱۰۸ ۴-۳-۳ پردامنگی فعالیت های دولت
- ۱۱۱ ۴-۳-۴ اقتصاد رسانه ها و عدم شکل گیری بنگاه های اقتصادی
- ۱۱۵ ۴-۳-۵ فقدان مهارت های حرفه ای روزنامه نگاران
- ۱۱۶ ۴-۳-۶ مدیریت ناکارآمد مطبوعاتی
- ۱۱۸ ۴-۳-۷ موانع حقیقی و حقوقی
- ۱۱۹ ۴-۳-۷-۱ عدم حاکمیت قانون

۱۲۱۴-۳-۷-۲ محدودیت ها و نقص قوانین
۱۲۴ فصل ۵: جمع بندی و نتیجه گیری
۱۲۵ ۱-۵ نتیجه پژوهش
۱۲۹ ۲-۵ الگوی نظری مطبوعات ایران
۱۳۱ ۳-۵ موانع پژوهش
۱۳۱ ۴-۵ پیشنهادهای تحقیق
۱۳۲ فهرست منابع

فصل ۱:

کلیات پژوهش

۱-۱ طرح مسئله

مطبوعات در دنیای کنونی یکی از لوازم و ابزارهای پیشبرد توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند، اما خود متأثر عوامل گوناگون توسعه ای هستند. وضع مطبوعات ایران نیز از این قاعده کلی برکنار نیست.

جامعه ما علیرغم غنای فرهنگی و پیشینه ارزشمند تاریخی، در قیاس با نیازهای روز رسانه‌ای هنوز از نقیصه‌هایی رنج می‌برد که در خور تأمل و تدبیری جدی است. توسعه نیافتگی وسایل ارتباط جمعی به ویژه مطبوعات، به توسعه نیافتگی معرفت، دانش و اطلاعات می‌انجامد و شکوفایی، خلاقیت، رقابت و رشد فکری و فرهنگی جامعه را دچار رکود و خمودگی می‌کند.

بی‌شک یکی از وظایف اصلی مطبوعات و آن هم مطبوعات مستقل که مورد نظر این تحقیق است، ایفای نقش انتقادی و راهنمایی اعضای جامعه است. اگر مطبوعات نقش نظارتی خود را داشته باشند، می‌توانند انتقاد کنند و در غیر این صورت موفق به انجام مسئولیت‌های خود نخواهند بود. البته آسیب‌هایی که امروزه در حوزه مطبوعات کشورمان به چشم می‌خورد، تنها در یک موضوع و حوزه خلاصه نمی‌شود. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان این آسیب‌ها و موانع را در عرصه‌های محتوایی، ساختاری، اقتصادی و آموزشی دید. به‌طور مثال در حال حاضر حوزه ساختاری مدیریت بزرگ‌ترین مؤسسات مطبوعاتی کشور به شکلی متمرکز بر عهده نهادهای دولتی و شبه دولتی است که این آسیب پس از گذشت نزدیک به دو قرن از شروع کار مطبوعات در کشورمان همچنان بر شیوه مالکیت رسانه‌ها سایه افکنده است. اما آیا تنها مشکل و مانع رسیدن به مطبوعاتی مستقل و مطلوب جامعه نظام مالکیت رسانه‌هاست؟ و یا مشکل شکل نگرفتن مطبوعات مستقل در ایران، اقتصادی است؟ آیا عدم حمایت از مؤسسات مستقل مطبوعاتی در کشورمان ناشی از ساختار سیاسی است؟ و... .

سؤالات بسیاری در خصوص وضعیت ناپایدار مطبوعات مستقل در کشور و چرایی شکنندگی این نوع روزنامه نگاری می‌توان مطرح کرد که هر کدام از آنها تنها می‌تواند پاسخ بخشی از موضوع این تحقیق باشد. برخی صاحب‌نظران حوزه مطبوعات برای دستیابی به یک وضعیت مطلوب و پایدار در مطبوعات کشورمان، وجود اصول و شاخص‌هایی را ضروری دانسته‌اند.

به طور مثال پرفسور کاظم معتمدنژاد در خصوص شکل‌گیری مطبوعات مستقل در کشورمان معتقد است: "برای بهبود وضع مطبوعات و رسیدن به یک وضعیت مناسب باید به چهار اصل توجه کرد؛ یکم فضای آزاد مطبوعات، دوم استقلال اقتصادی مطبوعات، سوم آموزش روزنامه نگاری و چهارم

تقویت استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاران". این تحقیق در پی یافتن پاسخی برای عدم توسعه یافتگی مطبوعات مستقل کشور است. به راستی علل توسعه نیافتگی مطبوعات مستقل کدامند؟

۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق

از مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی یاد می‌شود و این رکن در کنار سه رکن قوه مجریه مستقل، قوه دادگستری مستقل و قوه مقننه مستقل می‌تواند موجد و حافظ دموکراسی در هر کشوری باشد. تجربه‌های تاریخی مقاطع کوتاه آزادی مطبوعات در ایران نشان داده است که مطبوعات مستقل بدون داشتن استقلال سایر قوا (تفکیک قوا از یکدیگر) یا اصلاً به وجود نمی‌آیند و یا در صورت به وجود آمدن عمر کوتاهی خواهند داشت. در فراز و فرودهای تاریخی ایران معاصر از مطبوعات به عنوان پیشمرگان مبارزه برای آزادی و عدالت و اولین قربانیان راه دموکراسی یاد شده است.

به این اعتبار نسبت میان مطبوعات و دموکراسی، نسبتی وثیق است و از آنجا که دموکراسی مساله اصلی در قدرت سیاسی است لذا نقش مطبوعات در پیشبرد دموکراسی و نیز میزان تاثیر پذیری از این فرآیند موضوع مهمی برای تحقیق بوده و است. آنچه محقق را بر انجام این تحقیق واداشت تلاش برای بررسی موانع توسعه مطبوعات مستقل در ایران است. با وجود این، تجربه‌های کوتاه مدت آزادی مطبوعات در ایران بیانگر مسئله دیگری نیز بود و آن اینکه این مطبوعات می‌توانند به عنوان یکی از رابطان عمده دنیای نو با جامعه در حال گذار ایران فکر دموکراسی را به جماعت روزنامه خوان کشور تزریق کرده و دغدغه ایجاد سه قوه حکومتی مستقل را در جامعه به وجود آورد. این تحقیق از آنجا به موانع توسعه مطبوعات مستقل پس از انقلاب پرداخت که پس از ۲۲ بهمن ۵۷ و شکستن استبداد شاهنشاهی مستقر در ایران این انتظار وجود داشت و دارد که به مطبوعات آزادی و میدان عمل بیشتری داده شود زیرا آزادی یکی از محوری‌ترین شعارها و خواست‌های مردم در این انقلاب بود اما در همه مقاطع این فرایند مسیر واحد و همواری را نپیمود. شاهد این ماجرا نیز توقیف نشریه‌های مختلف از روزنامه و هفته‌نامه گرفته تا ماهنامه و سایر انواع مطبوعات در برخی از مقاطع است. این تحقیق می‌کوشد از طریق گفت و گو با نخبگان مطبوعاتی کشور اعم از فعالان پیشین و فعلی مطبوعات و اساتید دانشگاهی صاحب‌نظر پیش درآمدی کوچک بر پرداختن به موضوع مهم فقدان مطبوعات مستقل پابرجا در کشور باشد.

۱-۳ اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، شناخت موانع توسعه یافتگی مطبوعات غیردولتی در ایران است. پیگیری این هدف، چند هدف دیگر را نیز گریز ناپذیر می کند، از جمله:

-شناخت نقاط قوت مطبوعات غیردولتی پس از انقلاب

-ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت مطبوعات غیردولتی در ایران

-دستیابی به الگویی جهت توصیف وضعیت مطبوعات کشور

۱-۴ پیشینه تحقیق

این تحقیق دارای سابقه زیادی در جامعه علمی کشور نیست.

دکتر هادی خانیکی یکی از افرادی است که به طور جامع درباره عوامل توسعه نیافتگی مطبوعات ایران در بیش از یک قرن و نیم گذشته به تحقیق پرداخته است.

وی در کتاب خود با عنوان « قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات » به پژوهشی عمیق و گسترده در این باره پرداخته و به ارائه الگویی راجع به وابستگی ساختار مطبوعات به ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه پرداخته و این چنین استدلال می کند: ...مطبوعات در ایران از آنجا که جانب تحول و ارتباط را می گیرند به آسانی می توانند مخمل نظم های سنتی تلقی شوند. همچنین مطبوعات متعارفاً به سوی جامعه باز و نوعی تکثرگرایی در قدرت گرایش دارند که با ساختار سیاسی توسعه نیافته و گرایش به سوی بسته بودن و تمرکز در تعارض است. یعنی معمولاً کارکرد آنها در دامن زدن به مشارکت و رقابت عمومی، مطلوب نظام های خودکامه نبوده است... اما نکته اصلی اینجاست که اساساً در جامعه ای مثل ایران مطبوعات، متغیری مستقل نیستند و به دلیل مشخص نبودن وضعیت نهادهای مدنی و سیاسی مثل احزاب، سندیکاهای، انجمن ها و گروه های داوطلبانه و زوال تدریجی یا آمرانه گروه های سنتی و عرفی به سرعت جایگزین آنها می شوند. به این دلیل مطبوعات در جوامعی اینچنین کارکرد سیاسی پیدا کرده و در تحولات اجتماعی و نا استواری های سیاسی نقش فعالی می یابند. البته روشن است که به همان نسبت ضربه پذیر هم می گردند و بقا یا فنا، رشد یا رکورد آنها تابعی از حدود توسعه یافتگی قدرت سیاسی و وضعیت دولت مستقر می شود...

پژوهشگر پس از معرفی مشخصات ساختارهای سیاسی و اجتماعی و ساختارهای مطبوعاتی در دوره‌های پراکندگی و تمرکز قدرت، به مقایسه توسعه مطبوعات در دو دوره پراکندگی و توزیع قدرت (از انقلاب مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹) و دوره تمرکز قدرت سیاسی (دوره حکومت و سلطنت رضاشاه از کودتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰) می‌پردازد.

خانیکی وجود کانون‌های متنوع قدرت، عدم دوام کابینه‌ها، سهم کم نظامیان در اداره امور مملکتی، عدم تمرکز سازمان‌های اداری و ... را از ویژگی‌های دوره نخست دانسته و جامعه مدنی این دوره را به واسطه دارا بودن نهادها و گروه‌های سنتی و عرفی، انجمن‌ها و گروه‌های خود انگیخته و سیاسی فعال و فراکسیون‌های متعدد پارلمانی قدرتمند ارزیابی کرده است.

در این دوران نظارت بر مطبوعات کاهش یافته، تعداد و تیراژ نشریات بالا رفته و محتویات آن نیز تغییر کرده و اقدام‌های جمعی برای مقابله با توقیف مطبوعات افزایش می‌یابد.

شاخص‌های کمی مطبوعاتی در دوره اخیر معرف افزایش انواع نشریات سیاسی، تبعیت محل انتشار مطبوعات از محل استقرار مراکز و کانون‌های سیاسی (شهرهای مختلف کشور)، سهم بیشتر نشریات هفتگی در مطبوعات و توقیف‌های مطبوعاتی مکرر از سوی دولت هستند.

شاخص‌های کیفی مطبوعات این دوره هم توجه هر چه بیشتر به مباحث سیاست داخلی، سرمقاله‌های انتقادی و حتی انتقاد به شاه را نشان می‌دهد.

از شاخص‌های بازنگری و انتقادگری مطبوعات دوره مذکور که بر مبنای روش تجزیه و تحلیل گفتمانی به دست آمده‌اند نیز توجه بیشتر به ترقی و احیای پیشینه پر عظمت ایران بر پایه اعتقاد به نوعی ناسیونالیسم هم‌پذیر یا سازگاری مذهب و ملیت خودنمایی می‌کند.

اما در دوران تمرکز قدرت سیاسی وضع تا حدود زیادی متفاوت با دوران پراکندگی قدرت سیاسی است.

در این دوره قدرت سیاسی دارای یک کانون ثابت و متغیر بوده و تکیه‌گاه آن را ارتش حرفه‌ای تشکیل می‌دهد. نظامی‌ها در امور مملکت دخالت کامل دارند و نظام بوروکراسی متمرکز و مقتدری بر کشور حاکم است و شیوه‌های پنهان دخالت در امور اجتماعی نیز رواج دارند. جامعه مدنی در دوره اخیر زوال یافته، نهادها و گروه‌های سنتی کاهش پیدا کرده‌اند، احزاب و فراکسیون‌ها مضمحل شده‌اند و به جای آنها سازمان‌های فرمانبر ایجاد شده‌اند. فرهنگ سیاسی هم در این دوران دگرگون و

کنش‌های سیاسی با افسردگی یا بی‌تفاوتی همراه شده است. برخوردهای مشارکت‌جویانه و رقابت-آمیز نخبگان سیاسی هم جای خود را به فعالیت‌های خاص داده است. ساز و کارهای حل اختلاف و مقابله با تعارض‌ها و تضادهای اجتماعی هم به سبب کم‌توجهی به آرای عمومی و آمرانه بودن وفاق‌همگانی و غلبه اراده نظام حاکم بر مقررات قانونی و نهادهای حقوقی ناکارآمد شده‌اند.

ساختار مطبوعاتی این دوران هم بسیار متفاوت با دوره پیشین است. افزایش نظارت بر مطبوعات، کاهش اقدام‌های جمعی برای مقابله با توقیف مطبوعات، اعمال قدرت سیاسی و فشارهای اقتصادی علیه نشریات، رشد فرهنگ تملق‌گویی در مطبوعات، افزایش توقع قدرت‌های خارجی برای مداخله در امور مطبوعات و ... از شاخصه‌های این دوره است.

افزایش نشریات خبری و غیر سیاسی، تمرکز مطبوعات بیشتر در تهران تا شهرستان‌ها، سهم بیشتر ماهنامه در میان نشریات دوره‌ای، کاهش تعداد نشریات سیاسی و انتقادی و توقیف‌های مطبوعاتی گسترده توسط دولت هم از دیگر وجوه تمایز با دوران قبلی است.

شاخص‌های کیفی مطبوعات در دوره رضاشاه هم معرف موضع‌گیری کمتر نشریات در مسائل سیاست داخلی، توجه بیشتر به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدم انتقاد از مسئولان و نهادهای درجه اول مملکتی هستند. شاخص‌های بازنگری و انتقادگری مطبوعات این دوره نشان می‌دهد که گفتمان حاکم بر نشریات دوره‌ای بر توسعه و احیای مجد و عظمت ایران استوار است.

خانیکی با جمع‌بندی نهایی خود درباره امکان تبیین توسعه نیافتگی مطبوعات بر پایه توسعه نیافتگی جامعه چنین نتیجه گرفته است: «... به این ترتیب روشن می‌شود که ساختار سیاسی و اجتماعی مبتنی بر دولت متمرکز، جامعه مدنی ضعیف، فرهنگ سیاسی مشارکت‌ستیز و دستگاه‌های ناکارآمد حل تعارض، با ساختار مطبوعاتی توسعه نیافته لازم و مقارن است و ساختار سیاسی و اجتماعی مبتنی بر قدرت توزیع شده، جامعه مدنی قوی، فرهنگ مشارکت‌جو و دستگاه‌های کارآمد حل تعارض، با ساختار مطبوعاتی توسعه‌یافته سازگاری دارد و این رابطه میان متغیر وابسته (مطبوعات) و متغیر مستقل (جامعه) قابل تعمیم به دوره‌های مشابه است»

سایر پژوهش‌ها

احمد بورقانی فراهانی معاون اسبق مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اصلاحات هم در مقاله‌ای که با عنوان «علل و اسباب توسعه مطبوعات پس از دوم خرداد» به سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعاتی کشور ارائه کرده است، این عوامل را به دو دسته روساختی و زیر ساختی تقسیم کرده است.

انباشت مطالبات و ورود نخبگان، گسترش نیاز به اطلاع رسانی، تقویت اعتماد عمومی، سیاسی شدن جامعه، احساس قدرتمندی قشرهای ضعیف در هرم قدرت، رای به تغییر، کمک به شکل‌گیری جامعه مدنی، رویکرد جوانان به مطبوعات از سوی بورقانی به عنوان عوامل روساختی و افزایش سوادآموزی و شهرنشینی، تنوع گروه‌های مرجع و دفاع دولت از آزادی مطبوعات هم به عنوان عوامل زیر ساختی برای تبیین این توسعه معرفی شده است.

محمد حسن آل ابراهیم در پژوهشی با عنوان «عوامل بازدارنده در رشد مطبوعات» که خلاصه آن در فصلنامه رسانه به چاپ رسیده است (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، صفحات ۹۲ تا ۹۶) عواملی را به عنوان عوامل بازدارنده رشد مطبوعات در کشور دانسته است.

وی این عوامل را به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم کرده و اجرای سیاست‌های استعماری در جلوگیری از رشد بیداری مردم در سایر کشورها، تحمیل زنجیرهای وابستگی اقتصادی و فرهنگی بر مردم، وجود خبرگزاری‌های چهارگانه در جهان که انحصاری و یکسویه عمل می‌کنند، سنگ‌اندازی در ارسال تکنولوژی مدرن از سوی کشورهای صنعتی، کارشکنی در شکل‌گیری خبرگزاری مستقل منطقه‌ای و تحمیل ساختار سیاسی در کشور بر اساس اتکا به غرب و جلوگیری از پیدایش هرگونه ابتکار سیاسی در جهت منافع ملی را عوامل خارجی این عدم توسعه مطبوعات می‌داند.

آل ابراهیم، ساختار سیاسی و وجود اختناق و سانسور، فقر فرهنگ عمومی، اقتصاد نارسا، ضعف سازماندهی و مدیریت مطبوعات را عوامل داخلی این توسعه نیافتگی ذکر می‌کند.

نویسنده مقاله، موانع دیگری را هم در به وجود آمدن مطبوعات توسعه نیافته دخیل می‌داند از جمله: عدم آموزش فرهنگ مقاومت و برخوردار نبودن مدیران مطبوعات و کادر تحریریه از غنای آموزش، نبود سازمان مدافع حقوق روزنامه‌نگاران و تأمین‌کننده امنیت شغلی آنها، فراوانی نشریات بی هویت و بی ریشه، ترس از تکفیر، عدم اعتماد ستمدیدگان و...

البته فقدان زبان علمی و استفاده از بیانی ارزشی در نگارش این مقاله آل ابراهیم را از شمول تحقیق-های قابل استناد تا حد زیادی خارج می‌کند.

محقق دیگری که به این موضوع پرداخته دکتر شعبانعلی بهرامپور است. وی در پایان‌نامه دکترای خود با عنوان «چشم انداز مطبوعات آرمانی در ایران: بررسی تطبیقی ارزش‌های آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران در روزنامه‌های ایران» به مقایسه ارزش‌های آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران در روزنامه‌های دو جناح راست و چپ حکومتی ایران پرداخته است.

بر اساس این تحقیق مطبوعات گفتمان چپ و راست از آغاز دهه ۶۰ تا فوت رهبر انقلاب توجهی جدی به مسئله آزادی بیان و استقلال مطبوعات نداشتند و تنها یک بار روزنامه رسالت در یک یادداشت بحث استقلال روزنامه‌نگاران را مطرح ساخته بود. در این دوره روزنامه‌ها ابزار حکومت و دولت برای اقناع و بسیج مردم به شمار می‌آمدند، در نتیجه دولت در دادن اجازه انتشار روزنامه‌ها با سخت‌گیری زیاد اقدام می‌کرد و به همین خاطر روزنامه‌های زیادی مجال انتشار نیافتند.

دهه ۱۳۷۰ اما دو نیمه کاملاً متفاوت را پشت سر گذاشت. نیمه اول با مسلط شدن جناح راست بر رادیو و تلویزیون و روزنامه کیهان همراه شد و جناح چپ که از قوای سه‌گانه کنار گذاشته شده بود، تنها فرصت انتشار روزنامه سلام را پیدا کرد.

اما این جناح در انتخابات ششم ریاست جمهوری با شعار توسعه سیاسی و فرهنگی به میدان آمده و پس از پیروزی در انتخابات ترویج آزادی بیان و آزادی روزنامه‌نگاران را در دستور کار خود قرار داد. در این دوران جناح چپ که به اصلاح‌طلبان معروف شدند به انتشار روزنامه‌های مختلف و منتقد روی آوردند که مورد حمایت شدید مردم قرار گرفتند.

اما روزنامه‌نگاران این روزنامه‌ها از طرف جناح راست که کنترل قوه قضاییه، نیروهای نظامی و صدا و سیما ... را در دست داشت ضدانقلاب، تجدد طلبان، ساده‌اندیشان، زخم خورده‌های انقلاب، نامحرمان و خود فروخته‌ها نامیده شدند.

روزنامه‌های کیهان و رسالت در سال ۱۳۷۸ علیرغم تعطیلی نشریات مختلف و بیکار شدن تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران به موضوع آزادی بیان و استقلال روزنامه‌نگاران پرداختند.

در سال‌های بعدی هم با مسلط شدن گفتمان عدالت‌خواهی توقیف نشریات منتقد و اصلاح طلب یکی پس از دیگری صورت گرفت و نشریات مانده نیز با خودسانسوری به طرح مباحث جدی و انتقادی پرداختند.

اغلب روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و منتقد هم به فضای مجازی روی آوردند. سایت‌ها و پایگاه‌های خبری و اطلاع‌رسانی فارسی رشد بی‌سابقه‌ای پیدا کردند و علیرغم فیلترینگ شدید حاکم مورد استقبال مردم قرار گرفتند که این وضعیت تا به امروز ادامه دارد.

« حریم حرفه‌ای روزنامه‌نگاران: استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران (تشکیلات صنفی، مقررات شغلی و سایر مسائل حرفه‌ای روزنامه‌نگاران) » عنوان تحقیقی از دکتر مهدی فرقانی است. در این پژوهش که در سال ۶۹ انجام شده نظر پاسخگویان که همگی از میان روزنامه‌نگاران کشور انتخاب شده بودند درباره موضوعاتی مثل احساس رضایت از این حرفه، عوامل مؤثر بر استقلال شغلی و حرفه‌ای، ضرورت وجود تشکیلات صنفی، استقلال شغلی و حرفه‌ای و... پرسیده شد.

نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که نیمی از روزنامه‌نگاران از وضعیت شغلی خود راضی بودند و نیمی دیگر معتقد بودند در انجام وظایف شغلی خود استقلال ندارند.

بررسی انجام شده دیگر مربوط به حسین قندی است. وی در اولین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران با ارائه مقاله‌ای با عنوان «استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران و ضرورت تشکیلات صنفی» به بررسی این پرسش پرداخته که آیا روزنامه‌نگاران در فرایند پیام از استقلال حرفه‌ای برخوردارند یا نه؟

قندی مدیریت سازمان وسایل ارتباط جمعی، صاحبان سرمایه و حکومت‌ها را عواملی می‌داند که از راه بررسی آنها می‌توان به میزان استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران پی برد.

«راه‌اندازی تشکل‌های صنفی، موانع و راه حل‌ها» تحقیقی است که از مرتضی پورموسی برای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه انجام شده است.

در این تحقیق با مدیران مسئول و سردبیران ۴۸ نشریه درباره این پرسش‌ها صحبت شده است که ۱۰۰ درصد پاسخگویان ایجاد تشکل‌های صنفی را امری ضروری و مهمترین هدف تشکل‌های صنفی را تأمین حقوق صنفی و رفع مشکلات اقتصادی و مالی دانسته‌اند.

پرفسور کاظم معتمد نژاد هم در مقاله‌ای با عنوان «مبانی حقوقی استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاری» به لزوم ارائه تعریفی از روزنامه نگار حرفه‌ای در تحقق استقلال حقوقی حرفه روزنامه نگاری پرداخته و با مقایسه تعاریفی که در این باره در قوانین کشورهای فرانسه، الجزایر، هند، بنگلادش، لبنان و سوریه وجود دارد و تطبیق آن با وضعیت کشورمان می‌گوید تنها در ایران تعریفی از روزنامه نگار حرفه‌ای وجود ندارد.

عباس اسدی نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی نقش شورای مطبوعات در حراست از آزادی، استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری با تأکید بر تجربه شوراهای مطبوعات انگلستان، هند و مصر و ضرورت ایجاد آن در ایران» به موضوع لزوم تشکیل شورایی با این نام در ایران پرداخته است.

محقق کوشیده است با بررسی شرایط، پیشینه و نوع فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در ایران و جهان، نقش شورای مطبوعات را در حراست از سه مقوله آزادی، استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تشریح کند. در این پایان‌نامه دانشجویی نحوه شکل‌گیری و فعالیت این شوراها را در کشورهای انگلستان، هند و مصر مورد تأکید قرار گرفته و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها نیز به طور مبسوط شرح داده شده است.

در تحقیق فوق بر ضرورت وجود چنین شورایی در ایران نیز تأکید شده و محقق عنوان کرده اگر کشوری داعیه این را داشته باشد که بدون وجود این شورا، آزادی، استقلال و اخلاق حرفه‌ای روزنامه نگارانش تأمین می‌شود باید به سلامت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و به طور کلی نظام حاکم در آن کشور با شک و تردید نگریست.

«مسائل و مشکلات مطبوعات ایران و راه‌های پیشنهادی» عنوان تحقیق راه‌گشایی از شعبانعلی بهرامپور است که پاییز ۷۹ در مجله رسانه منتشر شده است.

در این مقاله که به ادعای نویسنده آن برای تهیه اش با ۱۵ تن از مدیران مسئول و سردبیران باسابقه نشریات مستقل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تخصصی مصاحبه شده است نگارنده مشکلات مطبوعات ایران را به ابعاد اقتصادی، سیاسی، حرفه‌ای، مسائل و مشکلات مربوط به دولت تقسیم کرده و در پایان نیز برای آنها راه‌هایی جسته و آنها را پیشنهاد کرده است.